



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۳/۰۲/۲۷

نعیم بارز

افغانستان آبستن یک جنگ ویرانگر دیگر یست!

همزمان با کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ و تجاوز نظامی ۶ جدی دولت شوروی سابق به افغانستان، آنچه افغان های تربیت بنیاد گرایی اسلامی دیده در پاکستان بنام جهاد مقدس تبلیغ می کردند در واقعیت امر پیدا بود که رهبری اصلی آن را «آی اس آی» پاکستان برای رسیدن به اهداف خود در دست داشت و گروه های جهادی افغان به غیر از وسیله و ابزاری در دست پاکستان چیز دیگر نبودند، آنها اصلاً منافع ملی را نمی شناختند، هر یک در رقابت باهم در تلاش قدرت یافتن و ثروت اندوزی بودند.

در نتیجه آن جنگ و جهاد با اغراض شوم و ندانم کاری ها بیشترین تلفات انسانی و ویرانی به افغانستان رسید تا به دشمن متجاوز، بعد از خارج شدن قوای شوروی و سقوط دولت دست نشانده اش باز هم جنگ قدرت میان گروه های افغان بیشتر از پیش شدت گرفت که باعث تلفات و تخریب شهرها و بالاخص شهر کامل و شصت و پنج هزار شهروندان با خاک و خون یکسان شدند.

شاید افغان های محترم به این باور با من هم نظر باشند که دولت پاکستان از همان آغاز کودتای ۷ ثور تا امروز آشکارا از موضع دشمنی طبق برنامه نفاق و شقاق افکنی جنگ و عملیات تروریستی را در افغانستان دنبال کرده و از کشتن مردم و ویرانی کشور ما دست بر نداشته است.

در مواردی که در اینجا مطرح خواهد شد به تفصیل سخن نخواهم گفت زیرا بارها به وفور گفته شده است. فقط بیشتر به نقش منفی و مخرب دولت پاکستان و دست پرورده هایش «طالبان افغان» آنهم به صورت فشرده بسنده میکنم:

طالبان که تا قبل از خروج نیروهای خارجی از افغانستان به عنوان یک مجموعه و یکدست شناخته می شدند، پس از خروج آخرین نیروهای امریکایی و سقوط حکومت رئیس جمهور اشرف غنی که برای بار دوم طالبان به حاکمیت رسیدند، در نخستین شب و روز تقسیم قدرت، چند دستگی طالبان آشکار گردید که اینک به برداشت خود آنها را در سه بخش دسته بندی می کنم:

نخست: گروه زیر نام ملا هیبت الله آخوند زاده که خود را رهبر کل طالبان تصور می کند، در شهر قندهار به سر می برد و گفته میشود همین آدم و دار و دسته اش بسیار متعصب و مخالف سرسخت کار زنان در خارج از خانه و مخالف تعلیم و تربیت دختران از صنف شش به بالا است.

دوم: گروه بنام حقانی یا خلیفه به حیث سر پرست وزارت داخله که قبلاً دار و دسته مذکور به ارتکاب بزرگترین و بیشترین جنایات تروریستی علیه نیرو های خارجی و مردم افغانستان شناخته شده است، از چندی بدین سو در دعوی قدرت و در مخالفت با ملا برادر و دیگران به ولایت خوست رفته و به تحریک و حمایت پاکستان به کشتن مخالفین پرداخته و بار ها از کودتای وی علیه دسته های دیگر طالبان خبر پخش شده است.

سوم: گروه زیر نام ملا برادر که در «مذاکره صلح» قطر به نمایندگی از طالبان قرار داشت، وی در زمان ریاست جمهوری آقای حامد کرزی با نشان دادن تمایل به مذاکره و رسیدن به صلح، قهر زمام داران پاکستانی را علیه خود بر انگیزته بود زیرا حرکت وی از سوی دولت پاکستان خلاف برنامه ستراتیژیک دولت مذکور در امور افغانستان تلقی گردیده و با این جرم هشت سال را او در زندان های پاکستان با شکنجه و رنج به سر برده تا سر انجام به خواست دولت امریکا از زندان رها شده و حالا شاید یکی از دلایل موضع گیری ضد پاکستانی او ناشی از همان

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرو مخکي په خیر و لولی

درد و رنج و دشمنی زمام داران پاکستانی با وی و کشور افغانستان بوده باشد که این شخص در مخالفت با دخالت های پاکستان و در دفاع از حق حاکمیت ملی کشور موضع گرفته است. البته در صف بندی ها ملا محمد یعقوب وزیر دفاع و کسان دیگری از رهبران نیز در کنار ملا برادر قرار دارند.

اخیراً طوریکه از طریق تلویزیون ها دیده و شنیده می شود تا کنون چند بار بین محافظین دو طرف خط دیورند و در گمرک طورخم و کویته بر خورد های مسلحانه صورت گرفته که تلفاتی انسانی نیز به همراه داشته است.

و دولت پاکستان این منشاء شر در منطقه، منبع اصلی جنگ و ترور پروری و صدور تروریزم هنوز هم بخشی از طالبان مزدور صفت افغان را با خود دارد که علیه مخالفان از جمله جناح ملا برادر، در جنگ و جدال از آنها استفاده میکند.

شاید این سوال در اذهان نسل جوان افغان پدید آید که چرا پاکستان در همسایگی با کشور افغانستان و هندوستان، بجای برقراری روابط سالم و همکاری تجارتي و اقتصادی همواره در پی جنگ و دشمنی بوده است؟

به سخن کوتاه باید گفت: از آنجائیکه پس از استقلال هند به خواست و حمایت دولت بریتانیا جغرافیای پاکستان از پیکر هند و افغانستان تشکیل گردیده است، دولت مذکور به بقای خود اعتماد نداشته و به همین تصور بجای توجه به نیازمندی های اساسی مردم خود و برقراری روابط مثبت سیاسی، تجارتي و اقتصادی با دول منطقه و جهان، بالعکس تا توانسته بیشتر از هر چیز در جهت هویت سازی خود به بنیاد گرایی اسلامی پرداخته و پول های زیاد حاصل از کار مردم را صرف سلاح سازی و خرید سلاح نموده که علاوه بر فعالیت های تروریستی سه بار جنگ های مهمی را علیه هند به راه انداخته و در نتیجه منجر به شکست خود پاکستان شده است

به گفته بانک جهانی پاکستان در رده ۴۳ کشور جهان قرار دارد ولی ششمین نیروی مسلح جهان را دارد. اردو پاکستان ۲۶ فیصد درآمد ملی کشور را به خود تخصیص داده، در حالیکه ۵ میلیون طفل از رفتن به مکتب محروم اند.

بدینگونه روز تا روز از یکسو فقر شدید و از سوی دیگر سیل بنیاد گرایی مذهبی کشور مذکور را بر لبه پرتگاه رسانده است.

اما بر خلاف وضعیت موجود در پاکستان. دولت مردان کشور هند با وجود جمعیت رو به رشد، در چار چوب ریئال پولیتیک (سیاست واقع گرایی) و با احساس مسئولیت پذیری در برابر مردم و برقراری روابط همه جانبه خوب و مفید با جهان همواره روبه پیشرفت صریح بوده و در حال چهارمین کشور قدرتمند جهان بحساب می آید.

در جمع بندی میشود گفت:

1- دولت پاکستان با عدم توجه به مشکلات داخلی خود و دنبال نمودن سیاست ها و روشهای متخاصم علیه هند و افغانستان تاکنون در مسیر خلاف منافع ملی کشورش و منطقه گام گذاشته و به همین لحاظ دچار بحران های زیاد گردیده و در حال بیشتر از هر زمان دیگر در اثر تظاهرات خشونت آمیز و رویداد های مسلحانه در مناطق پشتون خواه و بلوچستان زنگ خطر را علیه پاکستان به صدا در آورده است.

رهبران دولت پاکستان که از به حاکمیت رسیدن طالبان امیدی زیادی را برای بهره برداری از افغانستان در دل پرورده بودند در نتیجه به یاس مبدل شده و از روی نهایت درماندگی تقصیر خود شان را به طالبان نسبت می دهند که گویا آنها گروه های مخالف دولت پاکستان را در افغانستان جا داده و ادعا دارند که از آنجا «گروه تحریک طالبان پاکستان» با استفاده از خاک افغانستان عملیات مسلحانه را علیه دولت آن کشور به راه می اندازد، که روی همین نوع ادعا ها در هفته ای که گذشت رئیس «آی ایس آی» به کابل آمده و در مذاکره که با ملا محمد یعقوب در وزارت دفاع افغانستان صورت گرفت، هر دو طرف همدیگر را ملامت کرده از لحن تندى علیه یکدیگر کار گرفتند.

مثلاً وزیر دفاع پاکستان تهدید کرده که ما برای سرکوب دشمنان خود به افغانستان حمله میکنیم و در پاسخ ملا محمد یعقوب وزیر دفاع طالبان گفته: اگر توانایی ما را فراموش کرده اید، مبارزات ما را در زمان تجاوز امریکایی ها در افغانستان بیاد بیاورید.

اوضاع متشنج طوری ست که اگر زمام داران پاکستان به زودی در سیاست های داخلی و خارجی شان جدی تجدید نظر نکنند به احتمال زیاد هم از سوی هند با حمایت از بلوچ ها به جنگ های دوام دار گرفتار خواهند شد و هم از سوی همین طالبان افغان دست پرورده های خود شان و این بار نه تنها از کمک های میلیارد دلاری امریکا چیزی نصیب نخواهند شد بلکه دولت امریکا آن همه تلفات انسانی و صدها میلیارد دالر ضرر و زیانی را که در جنگ های بیست ساله در افغانستان متحمل شده و با شکست شرم سار از آن با تلاق بیرون رفته، می داند که اساساً که عامل اساسی شکست و ناکامی آن کشور ناشی از خیانت های پنهان و آشکار دولت پاکستان بوده و بی تردید در این همه سال ها امریکایی ها در یافته خواهند بود که منشا تروریزم پروری و حمایت از رهبران تروریزم چون اسامه بن لادن رهبر سازمان القاعد، الظواهری و تعداد دیگری کار پاکستان بوده و بالاخره این را هم درک کرده خواهند بود که تا پاکستان بمثابه منبع اصلی و حامی تروریزم تغییر نکند، منطقه و جهان از شر تروریزم آرامش نخواهند یافت.

با درک این مسایل بود که امریکا نیروهایش را از افغانستان خارج نمود، اما معلوم است که از افغانستان کاملاً دست نکشیده فرستادن هر هفته چهل میلیون دالر به افغانستان خیرات نیست. بلکه سعی بر آن است تا با رام و راضی ساختن طالبان مهار حکومت طالبان را در دست گرفته و اجازه ندهد که چین، روسیه و ایران به عنوان رقبای منطقه ای و جهانی آن بر اوضاع آنجا مسلط شوند. چه در آن صورت امریکا بمثابه قدرت اول جهان بخش عظیم منابع انرژی و بازار وسیع خرید و فروش را از دست خواهد داد و آنگاه ناچار باید در برابر چین و روسیه زانو زند.

لذا مقامات دولت امریکا چه از حزب دموکرات و چه از حزب جمهوری خواه با همه ساده اندیشی ها و اشتباهاتی که گاه در گذشته از خود نشان داده اند مثل وارد شدن در جنگ های ویتنام و افغانستان که منجر به شکست امریکا شده است ولی پیداست، این بار جنگی که از سوی پوتین دیکتاتور روسیه در اوکراین بر پا شده، همان طوری که در جنگ افغانستان شوروی را مواجه به از هم پاشی نمود، این دفعه امریکا و اروپا با فرستادن جنگ افزار ها به اوکراین و هر نوع تعزیرات اقتصادی، تجارتي و غیره علیه روسیه خواهند توانست کشور مذکور را از لحاظ تلفات انسانی و از هر لحاظ دیگر آنقدر خورد و خمیر نمایند که دیگر تا سال های سال سر حال نیاید.

در مورد افغانستان تا جائیکه از اوضاع برمی آید دولت پاکستان از سر مردم و کشور ما دست بر نداشته باز هم با دخالت های بیشرمانه و راه اندازی اختلاف و ایجاد درگیری های مسلحانه خواسته نفوذ سیاسی خود را بر طالبان تحمیل نماید و یا با ایجاد جنگ و بحران ها در افغانستان به بحران های داخل کشور پاکستان سر پوش گذارد. اما غافل از اینکه شاید این بار امریکا با حمایت از طالبان افغان، پاکستان را چنان تحت فشار قرار دهد که عشق بنیاد گرایی اسلامی، تروریست پروری و فکر تسلط بر افغانستان را برای همیشه از یاد برد.

پایان